

فلسفه حرکت و تاملی بر روش شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

عباداله بانسی^۱



چکیده:

پیشرفت در هر کشوری مستلزم داشتن الگوست و هر ملتی باید از الگوی پیشرفت متناسب با خود بهره ببرد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با جهت گیری "اسلامی" به منزله "جامعیت" و "ایرانی" به منزله "واقعیت" مناسبترین الگوی فراروی کشور است تا با تدوین آن از هرگونه تشتت، تلون و ناهمسوئیها در تدوین و استقرار راهبردهای مختلف کشور جلوگیری شود. لازمه پیشرفت تغییر و هر تغییری در عینیت از طریق حرکت میسر می شود. حرکت دارای مبدا و مقصدی است که در این الگو از آن به "وضع موجود" و "وضع مطلوب" یا آرمانی تعبیر می شود. روش شناسی تدوین وضع آرمانی و مطلوب مقوله‌ای است که در این نوشتار به آن پرداخته شده است. در این مطالعه از طریق بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای، ضمن پرداخت به مفاهیمی در حوزه الگو، به رابطه آن با مبحث حرکت در فلسفه اسلامی اشاره و روش شناسی اسلامی آن مطرح و در پایان از روش های تئوری داده بنیاد و تحلیل محتوا به عنوان روش های مناسب استخراج شاخص‌ها و متغیرهای الگو از متون و منابع (قرآن، سنت، حدیث، فقه، تئوری و تحلیل محیط) یاد گردیده است.

واژه‌های کلیدی: روش شناسی، حرکت، الگو، الگوی اسلامی ایرانی، وضعیت آرمانی، وضعیت موجود

۱- مقدمه

بررسی هان‌نشان می‌دهد که دستیابی به پیشرفت و توسعه در کشورهای مختلف، مبتنی بر سازوکارهای خاصی بوده و بر همین اساس الگوهای پیشرفت بر مبنای ارزشی و معرفتی خاصی استوار شده و لذا نمی‌توان الگوهای پیشرفت سایر کشورها را عیناً مورد استفاده قرار داد. به عبارت دیگر، تأثیر شگرف فرهنگ در مدیریت و فرآیندهای آن باعث شده است که فرآیند مدیریت میان فرهنگ‌ها و ملل مختلف جهان متفاوت باشد به طوری که مدیریت آمریکائی، ژاپنی و کره‌ای به عنوان نمونه‌های بارزی از فرهنگ‌های بومی جوامع مذکور تلقی می‌شوند که با تکیه بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اعتقادات و باورهای خود تا حدودی موفق عمل نموده‌اند (نجفی وهمکاران، ۱۳۸۸) و بر همین اساس هم بوده است که طرح پیشرفت در قالب الگوهائی نظیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به یکی از دغدغه‌های مهم فراروی مسولین عالی‌رتبه نظام و جامعه دانشگاهی بدل شده است.

به همین دلیل، نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگویی پویا و معنویت‌گرا نمی‌تواند و نباید الگوی پیشرفت خود را بر پایه معیارها، ارزش‌ها و بنیان‌های توسعه جوامع مادی گرا و به صورت تقلیدی پایه ریزی نماید. «مدل پیشرفت در ج.ا. ایران به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان مردم یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است و از هیچ‌جا نباید تقلید کرد (آیت اله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۲۷) و اگر یک ملت قصد پیشرفت داشته باشد نمی‌تواند در این مسیر منتظر دیگران باشد (آیت اله خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

لذا مسئله قابل طرح عبارت از این است که برای تحقق این مهم چه باید کرد و چه تدبیری باید اندیشید؟ قاعدتاً اولین نکته‌ای که به ذهن متبادر می‌شود این است که می‌بایست الگوهای پیشرفتی که مبتنی بر فرهنگ بومی اسلامی ایرانی است طراحی شود (تولائی، ۱۳۸۸)؛ به عبارت دیگر مطالعه کارآمد سازمان‌ها در ایران مستلزم شناخت فرهنگ ایرانی است و اسلام مولفه اصیل و اصلی فرهنگ ایرانی است که به مثابه عنصر ذاتی در اندیشه و رفتار ایرانی تجلی یافته و بنابراین شناخت اسلام و بررسی نسبت آن با علوم انسانی و اجتماعی و از جمله مدیریت نقش تعیین‌کننده‌ای در بومی‌سازی این علوم ایفا می‌کند (نجفی وهمکاران، ۱۳۸۸).

پرسش دیگری که قابل طرح می‌باشد عبارت از این است که چگونه می‌توان به این مهم دست یافت؟ به عبارت دیگر، این الگو که قرار است در حوزه‌های مختلف کشور به عنوان نقاط مرجع مسئولین و مدیران کشور بوده و در ترسیم سند چشم‌انداز، ماموریت و ارزش‌های سازمانی از آن بهره‌برده شود، از چه طرفی قابل دسترس خواهد بود؟ بنابراین روش استخراج این الگو در ابعاد مختلف یکی از موارد بسیار مهمی است که باید به آن پرداخته شود. اما قبل از این که به روش شناسی این الگو پرداخته شود باید به تشریح چند واژه که در فرآیند روش‌شناختی و رابطه آن با



فلسفه حرکت از نظر گاه فلسفه اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اشاره کرد.

۲- معنا شناسی الگو و الگوبرداری

معنای الگو "نقشه جامع" است. بدون نقشه جامع، برخی مسائل فرهنگی یا اقتصادی هم چون ۳۰ سال گذشته، دچار حرکت‌های گاه متناقض خواهد شد (آیت اله خامنه‌ای، ۱۳۸۹). الگو از نظر لغوی به مفهوم سرمشق، مقتدی و اسوه معنا شده و در اصطلاح عبارت است از بیان یک یا چند واقعیت به هم مرتبط توسط نمادهای مختلف نوشتاری، ترسیمی یا فیزیکی (خوش چهره و حبیبی، ۱۳۹۰: ۲۲۰). الگو را می‌توان به مثابه نقشه و ماکتی توصیف کرد که برای ساخت نمونه‌های دیگر از آن کمک گرفته شده و باید بر اساس آن حرکت کرد.

تغییر، تحول و پیشرفت در هر فرد یا جامع‌های مستلزم داشتن الگویی مناسب است. آموزه‌های آسمانی نیز نیاز به الگو و الگو پذیری را امری حیاتی می‌شمارند تا استعدادها و توان‌های نهفته در نهاد آدمی در مسیری مطلوب جهت یابد. قرآن کریم تاثیر پذیری از الگو را با معرفی الگوهای خود و ویژگی‌های برتر آن‌ها نشان می‌دهد: اسمائیل، نماد تسلیم در برابر فرمان خدا؛ ابراهیم، فطرت جو و بت شکن؛ ایوب، قهرمان صبر در شدايد روزگار و ... قرآن در همه این موارد می‌فرماید: «اینان کسانی‌اند که خداوند هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن».

الگوبرداری^۱ را هم می‌توان در همین راستا ترسیم کرد. هر سازمانی که بخواهد خود را به سمت پیشرفت یا بهترین‌ها هدایت کند، باید چشمان خود را در مقابل رقبا و بهترین تجارب جهانی باز کند. بر این اساس الگوبرداری، روشی نظام‌مند است که سازمان‌ها بوسیله آن می‌توانند فعالیت‌های خود را بر اساس بهترین صنعت یا سازمان اندازه‌گیری و اصلاح کنند، این روش با فراهم‌سازی چارچوبی برای سازمان‌ها که بوسیله آن فعالیت‌های بهترین سازمان مشخص گردیده است و تشخیص وجوه تمایز سازمان موجود با بهترین سازمان، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان شکاف‌های موجود را پر کرد. الگوبرداری در واقع ابزاری برای بهبود مستمر است و می‌تواند به وسیله انواع سازمان‌های تولیدی و خدماتی به کار گرفته شود. با توجه به مطالب فوق و ضرورت نیاز به الگو و الگوبرداری باید در جستجوی بهترین و مناسب‌ترین الگو بود.

۳- الگوی اسلامی، جامعیت و فلسفه حرکت (وضعیت مطلوب)

در بخش قبل ضرورت نیاز به الگو توجیه شد. در مقدمه بحث نیز در مورد ضرورت تناسب و هماهنگی میان الگوهای توسعه و پیشرفت با نظام معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خاص هر جامع‌های توضیحاتی ارائه گردید. در این قسمت این سوال می‌تواند قابل طرح باشد

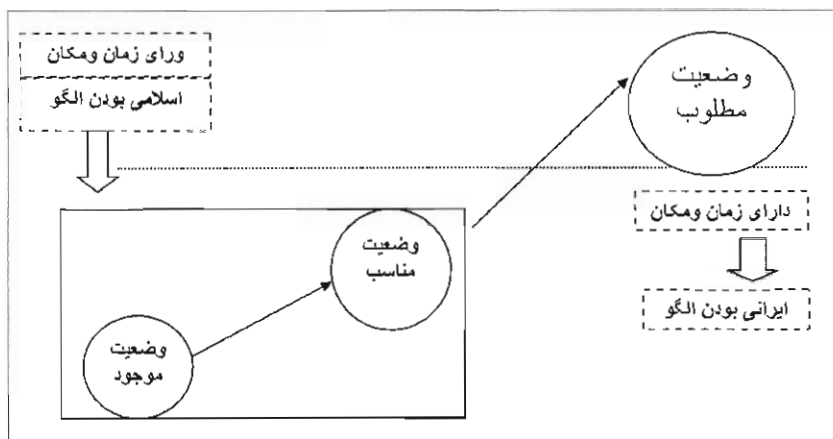
که اساساً مراد از به کارگیری واژه اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست؟ بر اساس قید اسلامی بودن، می‌بایست هر نوع مفهوم یا شاخصی که در تعریفی از پیشرفت دخیل است را با مبانی نظری، فلسفی و انسان‌شناختی اسلامی مبتنی نمود. (عرب، ۱۹۱: ۱۳۹۰) بنابراین شاخص‌های ارائه شده در این الگو قبل از هر چیزی باید بر خورنده از مفاهیم اسلامی باشد که این مفاهیم وابسته به شرایط زمانی و مکانی خاصی نمی‌باشند (هادوی تهرانی، ۹: ۱۳۹۰). در حقیقت با قید اسلامی بودن، الگوی پیشرفت به «احکام اسلامی» و «واجبات و محرمات» مقید می‌شود. با اسلامی بودن بر اصولی مانند «نهی استعمار و استعمار انسان‌های دیگر» و «اصرار بر تأمین عدالت» و «نهی نگاه ابزاری و هوسبازانه به زن و تأکید بر تحکیم مبانی خانواده» و بسیاری از اصول و امور دیگر که جهان امروز بدان‌ها سخت محتاج است پای فشاری می‌شود (حداد عادل، ۱۳۸۷). به زعم نویسندگان، هر مفهومی که ورای زمان و مکان باشد، از آن به عنوان یک مفهوم عمومی و کلی می‌توان استنباط داشت؛ مفهومی که در همه جا و همه زمان‌ها قابل استفاده می‌باشند. به تعبیری دیگر، این گونه مفاهیم را که ورای زمان و مکان بوده و در قالب شرایط و امکانات نمی‌گنجد، را می‌توان به عنوان ارزش‌ها، آرمان‌ها، ایده‌آل‌ها و مطلوب‌ها قلمداد نمود (اعرابی، ۳۳: ۱۳۸۷).

آرمان‌ها و مطلوب‌های این الگو در حکم «وضعیت مطلوب^۱» می‌باشد که جامعه همواره سعی دارد به سمت آن حرکت کند. بنابراین وجود الگوی اسلامی در هر یک از حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند به مثابه عامل مطلوب و ایده‌آلی همواره موجب رشد و پیشرفت شده و حرکت جامعه را به سمت نقطه مرجع و مطلوب سوق دهد.

این الگو، با این تعریف، می‌تواند با «فلسفه حرکت» حکیم ملاصدرا، رابطه نزدیکی داشته باشد. «حرکت عبارت است از رهائی تدریجی چیزی از قوه و استعداد و رسیدن به فعلیت» (جوادی آملی، ۱۸۸: ۱۳۶۶). باید توجه داشت که اگر موجودی، کمالی را واجد؛ دارا باشد هیچ گاه به سوی آن حرکت نمی‌کند، زیرا همواره کوشش و جستجو به سمت مفقود است نه به سمت موجود (همان، ۱۶۷). پس از آنجا که غایت حرکت ورای زمان و مکان بود. لذا «جهت» آن، نیز مقوله‌ای است ورای زمان و مکان (اعرابی، ۳۵: ۱۳۸۷). در عین حال تذکر این نکته ضروری است که حرکت در امتداد زمان و به تدریج تحقق می‌یابد (جوادی آملی، ۱۸۳: ۱۳۶۶) و این امتداد و تدرج تابعی نهایت قابلیت انقسام دارد (مصباح یزدی، ۲۷۶: ۱۳۷۰) و چنانچه اگر خطی فرضی از مبدا اولیه تا غایت آن ترسیم شود، با توجه به قابلیت انقسام حرکت، می‌توان بر روی آن مبادی و مقاصد نسبی (همان، ۱۶۹) لحاظ کرد که این مقاصد می‌توانند حالات و صور مختلفی داشته باشند. این حالات و صور نسبی خود می‌توانند در قالب شرایط زمان و مکان تعریف شوند. بنابراین، در مرحله تنظیم حرکت،

۱. لازم به تذکر است که کمال و غایت جامعه نیز ورای زمان و مکان است و در هیچ لحظه‌ای وصل به آن محقق نمی‌شود و بنابراین اداره جامعه و تغییر آن از وضعیت حاضر به سوی غایت و کمال مطلوب، امری مستمر و به بیان مولانا، آزمایشی دائمی است.

طراحی و سازمان دهی جامعه، مبنا و مقصدی نسبی برای حرکت مورد نظر وضع می‌شود که با تحقق حرکت طراحی شده، متحرک از مبدا به سمت مقصد جریان می‌یابد و از قوه به فعل و از نقص به کمال سیر می‌کند. این موضوع در بحث اداره و تغییر جامعه می‌تواند به ترتیب به «وضعیت موجود» و «وضعیت مناسب» تعبیر گردد (اعرابی، ۱۳۸۷:۳۵) (شکل ۱)



۴- الگوی ایرانی و واقعیت (وضعیت موجود و مناسب)

قید ایرانی بودن نیز ناظر به این است که باید در زمینه پیشرفت، شرایط و زمان و مکان را نیز در نظر گرفت. به عبارت دیگر اسلام خود کامل است ولی از آنجائی که در مقطع معینی این الگو اجرا می‌شود، باید ویژگی‌های زمانی، مکانی و ظرف تحقق آن به دقت لحاظ شود. (هادوی تهرانی، ۱۳۹۰، ۱۰) لذا باید متناسب با شرایط، مقتضیات و ظرفیت‌های فرهنگی کشور، الگویی از پیشرفت پیشنهاد شود که از بالاترین میزان همسوئی و هماهنگی با تعالیم و آموزه‌های اسلامی برخوردار باشد. بنابراین، اگر اسلامی بودن جامعیت الگوست، ایرانی بودن، واقعیت آن را تأمین می‌کند. لذا با توجه به آنچه که تاکنون گذشت، در کنار هم بودن این دو قید، رمز موفقیت الگو را تضمین خواهد نمود. چرا که در این الگو، اسلامی بودن به منزله "روح" و ایرانی بودن نیز به منزله "جسم" پیشرفت می‌باشد (عرب، ۱۳۹۰:۱۹۵).

همان طور که در قبل گفته شد و از شکل فوق نیز مستفاد می‌شود قید ایرانی بودن الگو در قالب زمان و مکان بوده و در حکم مسیر و ظرفی است که سازمان‌های کشور باید از این مسیر در جهت جامعیت الگو (الگوی اسلامی) طی طریق کرده و این مسافت را بپیمایند.

مسیر حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مناسب و سپس حرکت در جهت وضع مطلوب، در عالم کون و تشریح متفاوت است. در عالم کون این حرکت چه در اوج آسمان یا قعر دریا، چه در زمین یا فضا، خواه در انسان یا جماد، مسیری است از پیش تعیین شده و در حکم سفرنامه بشر است (مصباح یزدی، ۱۶۸)؛ چنان که حضرت ابراهیم می‌فرمایند "پروردگار من ذاتی است که

زنده می‌کند، می‌میراند و نیز آفتاب را از کرانه شرق به افق غرب می‌رساند (بقره: ۲۵۷).^۴ اما در عالم تشریح طی این مسافت از روش‌های گوناگونی میسر است و نحوه انتخاب مسیر حرکت با توجه به کیفیت بستر، مقدرات، فرصت‌ها و تهدیدها و نقاط قوت و ضعف و میزان مسافت صورت می‌گیرد. طی این مسیر به شکل بهینه فقط با نگاه به ارزش‌ها، ایده آل‌ها و مطلوب‌ها (قله) میسر خواهد بود و این مهم به منزله ضرورت وجود الگویی مطلوب و جامع است.

۵- روش‌شناسی ترسیم وضعیت مطلوب

روش عبارتست از مجموعه فعالیت‌هایی که برای رسیدن به هدفی صورت می‌گیرد، پژوهش عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی است که پژوهشگر با استفاده از آن‌ها به قوانین و واقعیت‌ها پی می‌برد. هدف از انتخاب روش پژوهش آن است که محقق مشخص نماید که چه شیوه و روشی را اتخاذ نماید تا هر چه دقیق‌تر، آسان‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر به پاسخ یا پاسخ‌هایی برای پرسش‌های پژوهش دست یابد (حکیم زاده و عبدالمکی، ۱۳۹۰)

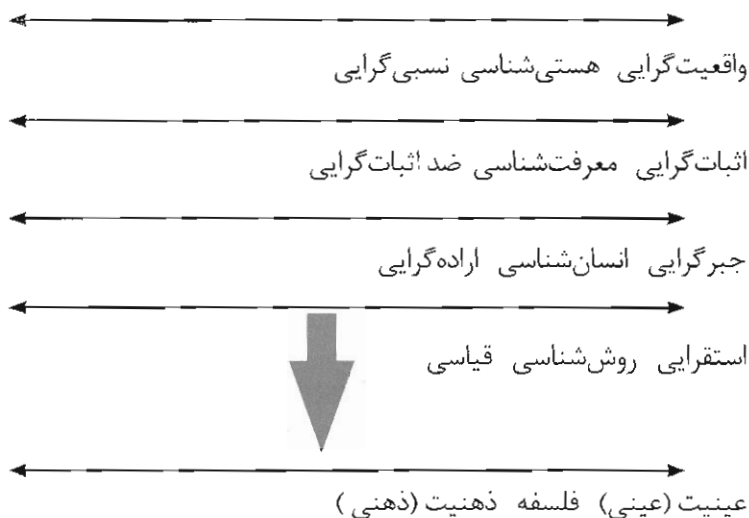
روش‌شناسی (Methodology) از جمله واژه‌هایی است که تاکنون معانی مختلفی برای آن ارائه شده است. این واژه مشتمل بر دو واژه (Methodos) و (Logy) است که خود واژه متدودوس بر گرفته از دو واژه (Metos) به معنی خیلی بزرگ و (thodos) به معنای راه و شیوه می‌باشد و در مجموع متدولوژی عبارت است از: راه اصلی و راه درست که به تعبیری معادل عربی آن همان "صراط المستقیم" است (نجات بخش اصفهانی و باقری، ۱۳۸۸). این مفهوم بیانگر این است که واقعیت‌ها را باید از راه‌های مناسب و درستی کشف کرد و بنابراین کسی که در صراط مستقیم باشد، گمراه نخواهد شد. بر همین اساس استخراج الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ترسیم وضع مطلوب (تهیه و تدوین جامعیت الگو) می‌بایست مبتنی بر روش‌شناسی متناسب با خود باشد. در این قسمت ابتدا گونه‌های مختلف روش‌شناسی تحقیق ارائه و سپس گونه مناسب تحقیقات در متون اسلامی پیشنهاد خواهد شد.

۱-۵- روش‌شناسی‌های رایج تحقیق

انتخاب و گرایش داشتن به نوعی خاص از روش‌شناسی تحقیق متأثر از نظام فکری پژوهشگر خواهد بود. نظام فکری نیز خود تابعی است از اینکه محقق به هستی، معرفت، و انسان چگونه نگاهی دارد. به عبارت دیگر باید دید دستگاه معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی فرد محقق در چه جهتی سیر می‌کند. به طور کلی از نظر فلسفی این نظام می‌تواند در پیوستاری به شرح زیر ترسیم شود. همان‌طور که در این پیوستار ملاحظه می‌شود فرد محقق بسته به اینکه از نظر نظام فکری به کدام بخش طیف، گرایش بیشتری داشته باشد و به طور کلی عینی‌گر باشد یا ذهن‌گرا، به روش تحقیقی خاصی نیز گرایش خواهد یافت. به عنوان مثال یک محقق واقعیت‌گرا، اثبات‌گرا، و از نظر دیدگاه

► نقشه راه طراحی و تدوین الگو

انسان‌شناسی جبرگرا و در مجموع عینی‌گرا، به سمت آن دسته از روش‌های پژوهشی تمایل خواهد یافت که بیشتر جنبه عینی، کمی، پوزیتیویستی و تجربه‌گرایی دارند.



پیوستار نظام فکری و معرفتی پژوهشگر

بر همین اساس برخی از روش‌هایی که تاکنون و مبتنی بر این مفروضات ایجاد شده‌اند را می‌توان به شرح جدول شماره ۱ معرفی نمود:
جدول شماره ۱: روش‌های معمول تحقیق

متدولوژی انتقادی	روش روان‌شناختی	متدولوژی زیباشناختی	متدولوژی تلفیقی*	متدولوژی سقراطی
متدولوژی اگزنیوماتیک	متدولوژی اثباتی	متدولوژی بازتابی	متدولوژی شهودی	متدولوژی دیالکتیک
متدولوژی تاریخی نقدی	متدولوژی رفتارشناسی	متدولوژی تاریخی	متدولوژی توصیفی	متدولوژی استقرایی

* متدولوژی کمی و کیفی توأمان (متدولوژی کیفی خود مستلزم روش‌هایی چون داده‌بنیاد، تحلیل محتوا، قوم‌نگاری و ... می‌باشد)

۲-۵- روش‌شناسی‌های معمول تحقیقات اسلامی

علاوه بر روش‌های رایجی که پژوهشگران در تحقیقات خود از آن بهره می‌برند، روش‌های دیگری نیز وجود دارد که به وسیله محققین کشور در حوزه تحقیقات اسلامی از آن‌ها استفاده شده یا توسط آن‌ها معرفی شده است. در ذیل به بعضی از این روش‌ها اشاره می‌شود:

● رویکرد اجتهادی: در این روش اجتهاد به عنوان روش تأثیرگذار در اسلامی سازی علوم انسانی معرفی می‌گردد (اعرافی، ۱۳۸۷).

● رویکرد معرفت‌شناسی: در این شیوه، معرفت‌شناسی دینی به عنوان روشی جامع و کامل که می‌تواند با شکستن نگرش انحصارگرایانه حس‌گرایان و کسانی که صرفاً با توسل به روش‌های رایج قصد تحقیق در حوزه علوم اسلامی را دارند، با تمسک به منابع وحی و قرآن معرفی می‌شود (گابینی، ۱۳۸۷).

● رویکرد سنت تکلیف‌شناسی: در این رویکرد، سنت تکلیف‌شناسی، موضوع‌شناسی، حکم‌شناسی، حکم اولی و ثانوی، حکم ولایی و حکومتی، حکم اکاره، حکم تقیه، مصدح نظام، به عنوان ابزارهای روش‌شناسی معرفی می‌شود (اسکندری، ۱۳۸۷).

● رویکرد استعاره‌ای: در این رویکرد سازمان به مثابه کانون طیف‌های متقاطع، تفکر استعاره‌ای را مد نظر قرار می‌دهد. این روش با استفاده از منطق ارسطویی، منطق دو ارزشی منفک از هم، منطق دو ارزشی در کنار هم و منطق فازی، توضیح داده می‌شود (الوانی، ۱۳۸۷).

● رویکرد مقایسه پارادایم‌ها: این رویکرد، با توجه به پیش‌فرض‌های بنیادین در هر مکتب، نگرش و پارادایم‌های مختلف را مد نظر قرار داده و به بحث پیرامون پارادایم مدیریت اسلامی با تمرکز بر متدولوژی مدیریت اسلامی و مقایسه با سایر پارادایم‌های فکری پرداخته است (محمد علی پور و کریمی، ۱۳۸۶).

● در پژوهشی دیگر تحت عنوان روش‌شناسی تحقیق در علوم اسلامی، قرآن و سنت به عنوان مهمترین منبع مسلمانان در پژوهش‌های اجتماعی و سیاسی اسلامی معرفی شده است (علیخانی، ۱۳۸۶).

۶- مقایسه روش‌ها و معرفی روش اصلح

در مقایسه روش‌شناسی‌های مطروحه به وسیله فلاسفه یونان و کلیه روش‌هایی که تاکنون به طور مختصر تشریح گردیده، به تعبیر ابوبکر محمد بن محمد معروف به فارابی (معلم دوم)، هیچ یک نتوانسته معرفت را به صورت کامل معرفی کند و این تنها اعتقادات دینی مکتب اسلام است که راه نجات و رسیدن به حقیقت را در عبادت خالصانه خداوند بر می‌شمارد (نجات بخش اصفهانی، ۱۳۸۸). بر همین اساس، فلاسفه اسلام نیز برای رسیدن به حقیقت از ابزارهایی که می‌توان از آن‌ها به عنوان ارکان اسلام نام برد استفاده می‌نمایند. 'بن ارکان عبارتند از (خلیل فر، ۱۳۷۷):

قرآن، سنت، حدیث، فقه

در این مقاله نیز به دلایل ذیل این منابع به عنوان منبع اصلی ترسیم وضع مطلوب و استخراج شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد پذیرش واقع می‌شود:

● قرآن

قرآن کریم کتاب هدایت و راهنمای همه انسان‌ها در طول تاریخ است و اختصاص به عصری خاص یا اقلیمی مخصوص و نژاد ویژه‌ای ندارد (مدثر/۳۱، قلم/۵۲، سبا/۲۸). زبان قرآن، زبانی جهانی و منطبق با فطرت جهانی است (روم/۳۰). قرآن کریم کتابی ادبی و داور نهایی در اندیشه دینی است. قرآن، اولین منبع هدایت انسانی محسوب می‌شود، چنان که خود قرآن می‌فرماید: "این کتاب را که روشنگر هر چیزی است بر تو نازل کردیم" (نحل/۸۹).

● سنت

سنت قطعی، همتراز با قرآن کریم از ارزش برخوردار است. "برای شما رسول خدا {در اقتدا} سرمشقی نیکوست (احزاب/۲۱) و "بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد" (آل عمران/۳۱).

● حدیث

در اسلام، علم حدیث، علمی است که توسط آن اقوال و افعال و احوال یا تقریر^۱ پیامبر اسلام و امامان شناخته می‌شود و چون احادیث رسیده از ایشان، شامل گفته‌های آنان هم می‌شود شامل گفته و نیز نام وسائلی است که کلام مزبور را از وی روایت کرده‌اند. می‌توان گفت که علم حدیث علم به قوانینی است که به وسیله آن احوال سند و متن حدیث شناخته می‌شود (شانه چی، ۱۳۸۴).

● فقه

فقه به مجموعه راهبردهایی گفته می‌شود که توسط فقیه و مجتهد اعلم در حوزه فرعیات دین با توسل به قرآن، سنت، اجماع و عقل استخراج و استنباط می‌شود. بنابراین بخشی از راه رسیدن به حقیقت می‌تواند، جستجوی نظر فقهاء در باب شاخص‌های مربوط به الگو باشد که محقق برای تکمیل یافته‌های خود از آن بهره می‌برد.

هم چنین، علاوه بر منابع اصیل فوق، به منظور نگاه همه جانبه به طراحی الگو و با توجه به دلایل مطرحه در ذیل، می‌بایست به دو عامل استفاده از تجربیات دیگران (علم) و فرهنگ کشور ایران نیز توجه کافی داشت، که البته نگاه به فرهنگ به صورت ضمنی در تحلیل محیط درون کشور خواهد بود:

● تجربیات علمی موجود

بدیهی است که در طراحی هر الگویی باید از یافته‌ها و تجربیات خوب و مفید دیگر کشورها و تئوری‌های تولید شده به وسیله آن‌ها به نحو مناسبی سود جست. در طراحی الگوی اسلامی ایرانی

۱. تقریر یعنی تائید یا سکوت پیامبر یا امام در برابر حرف یا عملی خاص

پیشرفت نیز با توجه به نظر صریح مقام رهبری، باید از این مهم استفاده کرد. استفاده از دو مفهوم «اسلامی و ایرانی»، به هیچ وجه به معنای استفاده نکردن از دستاوردهای دیگران و تجارب صحیح آنان نیست و م در این راه، با چشمان باز و انتخاب گر، از هر علم و معرفت درست استفاده می کنیم (آیت اله خامنه ای، ۱۳۸۹). اعتقاد به الگوی اسلامی ایرانی توسعه، به معنای آن نیست که چشم بر تجربه سایر ملت ها، هر چند در جهان بینی و فرهنگ با آن ها اختلاف داشته باشیم، ببندیم و از راه حل های عقلایی و دستاوردهای علمی و فناوری های نوین و تجربه های مدیریتی دیگران در حل مشکلات خود استفاده نکنیم. استقلال در انتخاب الگو به معنای ستیزه با عقل و منطق و فطرت مشترک انسانی نیست. ما به همان اندازه که می باید به ضعف ها و کج روی ها و ناکامی های دیگران توجه داشته باشیم باید به قوت ها و موفقیت های آن ها نیز توجه کنیم و البته در همه حال، معیار و ملاک ما تشخیص قوت و ضعف دیگران، باید معیار و ملاک خودمان باشد (حداد عادل، ۱۳۸۸). در همین راستا هر محقق که قصد دارد در حوزه بومی سازی تئوری های مختلف به طور اعم و به طور خاص در زمینه طراحی متغیری از متغیرهای الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، فعالیت نماید می بایست از تئوری های موجود به عنوان منبعی از منابع در دسترس استفاده کرده و این مهم می تواند مبنایی برای مقایسه تطبیقی شاخص های احصاء شده به وسیله محقق از متون و منابع اسلامی با شاخص های موجود در علم موجود، قرار داده شود.

● توجه به واقعیات موجود و فرهنگ (تحلیل محیط)

همان طور که گفته شد هدف از به کارگیری واژه ایرانی بودن در نام گذاری الگو، عمدتاً بذل توجه کافی به واقعیات های موجود است. طراحی هر راهبردی بدون مطالعه وضع موجود میسر نبوده و لازم است محیط پیرامون راهبرد مورد نظر به منظور شناخت متغیرهای موجود مورد بررسی و قرار گرفته و در تدوین راهبرد از آن ها استفاده شود. همان طور که گفته شد الگوی اسلامی به منزله الگویی ایده آل است، اما از آن جا که این الگوی جامع و کامل قرار است در ظرف زمانی (حال حاضر) و ظرف مکانی معینی (جمهوری اسلامی ایران) به مورد اجرا گذاشته شود، لذا باید به واقعیات درونی ایران در زمان اجرای الگو نیز توجه کافی مبذول داشت. این موضوع به معنای تحلیل محیط درون سازمانی است که به تحلیل محیط داخل شهره است. به عبارت دیگر این همان توجه به داخل است که می تواند به عنوان نقطه مرجعی در تصمیم گیری سازمانی و ملی مورد توجه واقع شود. توجه به عوامل داخل یا محیط داخلی (واقعیات داخلی کشور) به منزله توجه به نقاط قوت و ضعف کشور است و در اجرای الگوی اسلامی پیشرفت باید به این مهم توجه گردد.

البته در تحلیل محیط فقط توجه به داخل کافی نیست بلکه لازم است که به محیط خارج از کشور یعنی واقعیات جهانی نیز توجه شود. با تحلیل محیط خارجی و استخراج فرصت ها و تهدیدها است که زمینه اجرای موفقیت آمیز الگوی جامع اسلامی امکانپذیر می شود. تحلیل محیط داخل و خارج



به منزله شناخت بیشتر واقعیات کشور است که در ادبیات سازمانی به SWOT (سوات) از آن یاد می‌شود.

۶- مدل روش شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

بر اساس مباحث مطروحه در ادبیات موضوع، مشخص شد که با توجه به متصل بودن معارف اسلامی به منبع سرشار و غنی وحی، این حوزه از ظرفیتهایی برخوردار است که مکاتب مادی فاقد آن می‌باشند. بنابراین بهترین شیوه طراحی مدل‌های برنامه ریزی و از جمله مدل‌های پیشرفت در نظام ج.ا.ایران، بازگشت به همین گنجینه‌های ارزشمند و گرانقدر است. همان طور که بیان شد پیشرفت و توسعه در همه ارکان و بخش‌های کشور مستلزم ایجاد تغییر و حرکت می‌باشد و حرکت همواره از مبدائی آغاز و به قصد رسیدن به سرانجامی ادامه می‌یابد. مقصد نهایی حرکت در پیشرفت، تحقق الگوی اسلامی است که از آن به وضعیت مطلوب تعبیر گردید و لازمه این مهم، شناخت وضعیت موجود در کشور می‌باشد تا با استفاده از اطلاعات حاصل از شناخت و تحلیل محیطی و نیز با کمک گرفتن از ابزارها و امکانات و مقدرات (در قالب شرایط زمان و مکان) بتوان برنامه‌های عملیاتی چندی در جهت تحقق برنامه راهبردی کلان کشور تنظیم و نهایتاً به الگوی جامع پیشرفت دست یافت. با توجه به توضیحات ذکر شده مراحل این مدل را می‌توان به شرح زیر ارائه داد (شکل شماره ۲):

۱- شناخت وضعیت موجود از طریق تحلیل محیط و بررسی‌های میدانی^۱

۲- ترسیم وضعیت مطلوب از طریق منابع معرفی شده

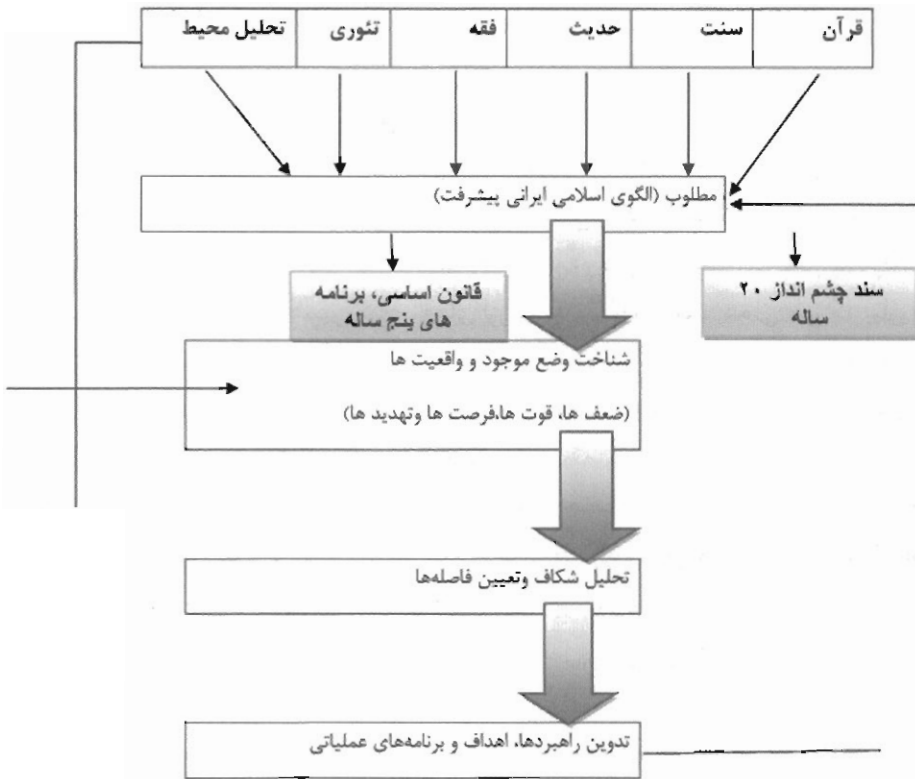
۳- تحلیل شکاف و تعیین فاصله از طریق مقایسه وضع موجود با وضع مطلوب

۴- تعیین و تدوین راهبردها، اهداف و برنامه‌های عملیاتی برای کاهش فاصله و شکاف

در معرفی مراحل فوق، ضروری است به این نکته مهم پرداخته شود، از آن جا که در ترسیم وضعیت مطلوب و جامع که همان الگوی پیشرفت با رویکرد اسلامی ایرانی می‌باشد، از منابع و آموزه‌های اسلامی و نیز علم و تحلیل محیط و شناخت واقعیات کمک گرفته می‌شود، الگوی مذکور عاملی است در جهت ایجاد هماهنگی و انسجام و باعث می‌شود همه بخش‌های کشور به صورت هماهنگ و یکپارچه به سمت آن حرکت کرده و از تشتت و تلون در حرکت‌ها، ممانعت می‌کند.

۱. شناخت وضع موجود و وضعیت مطلوب در بعضی موارد به صورت همزمان بید انجام شود بدین معنی که از یافته‌های شناخت وضع موجود می‌توان در ترسیم بهتر وضع مطلوب بهره گرفت.

شکل ۲- مدل ترسیم وضعیت مطلوب در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



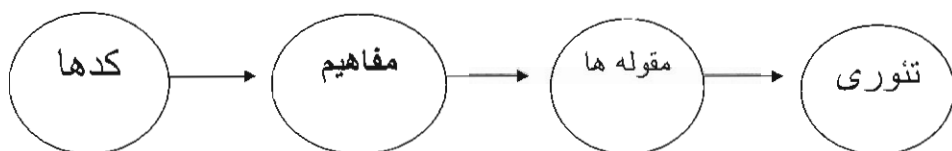
۷- روش شناسی علمی الگو

تاکنون روش شناسی و روند حرکتی الگو از وضع جاری به وضع مطلوب تا حدودی مشخص شد. حال پرسش قابل طرح این است که مطلوب‌های الگو و موضوع جامعیت آن از چه طرقی دست یافتنی است؟ به عبارت دیگر چگونه می‌توان ابعاد و شاخص‌های الگو در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را از متون معرفی شده در قبل، استخراج نمود، به نحوی که بتوان بر اساس آن نظریه‌های مورد نیاز را ارائه و در مراحل بعد برنامه‌های عملیاتی همسو با نظریات را تدوین کرد؟ به طور کلی، جهت‌گیری طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از حیث روش‌های تحقیق مورد استفاده مبتنی بر پژوهش‌های بنیادین می‌باشد. لذا از آن جا که به نظر می‌رسد تحقیقات بنیادی بهترین شیوه قابل استفاده در طراحی الگو باشد در زیر به دو نمونه از این روش‌های پژوهشی اشاره می‌گردد.

۱-۷ - تئوری داده بنیاد

در تحقیقات بنیادی عمدتاً از روش‌های کیفی در فرآیند تحلیل استفاده شده و راهبردهای کیفی

نیز خود از روش‌های استقرائی در طول این فرآیند بهره‌مند می‌شوند (لطیفی، ۱۳۸۸: ۷۰). هدف غایی تئوری داده‌بنیاد^۱، ارائه تبیین‌های جامع تئوریک^۲ در مورد یک پدیده خاص است. بر اساس این روش، محقق ابتدا داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی (متون ذکر شده قبلی) را به مجموعه‌ای از کدها، کدهای مشترک را به مقوله و آنگاه مقوله‌ها را به نوعی تئوری یا نظریه تبدیل می‌کند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴) (شکل ۴)



شکل شماره ۳ - مسیر تکامل تئوری در پژوهش داده‌بنیاد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴)

رویکرد مورد استفاده در این شیوه، رویکردی تحلیلی^۳ است. در این گونه تحقیقات، با توجه به اینکه منابع اطلاعاتی در زمره متون و منابع اسلامی محسوب می‌شوند، پژوهشگر پس از طرح و تدوین مسئله پژوهش، به مطالعه متون مذکور پرداخته و داده‌های مرتبط با مسئله را از متن استخراج، کدگذاری، طبقه‌بندی و سپس تئوری خود را ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی در ابتدا به مجموعه‌ای از کدها، کدهای مشترک به مفاهیم، مفاهیم مشترک به مقوله‌ها و آنگاه مقوله‌ها به تئوری تبدیل می‌شوند.

۲-۷- تحلیل محتوا

تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره انواع گوناگون پیام‌های مندرج در آثار ادبی، مقاله‌ها، اسناد رسمی، خطابه‌ها، اعلامیه‌های سیاسی، گزارش‌های اجتماعات، برنامه‌های شنیداری و دیداری و گزارش مصاحبه‌های نیمه‌رهنمودی به کار بست. برای مثال، ایدئولوژی یک روزنامه، تصورات یک شخص یا منطق یک سازمان یا یک گروه، از راه مطالعه اسناد داخلی، یا درباره وضعیت‌های اجتماعی که خطابه در آن تولید شده است. مثلاً شیوه جامعه‌پذیری در خطبه‌های نماز جمعه، کتاب‌های درسی.

تحلیل محتوا روش تحقیقی است برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌های استخراج شده از متن (دانیل و استفن، ۱۳۸۵) به عبارت دیگر، تحلیل محتوا «هر فنی است که به کمک آن، ویژگی‌های خاص پیام‌ها را به طور نظام‌یافته و عینی مورد شناسایی قرار می‌دهند (فرانکفورد و نجمیاس، ۱۳۸۱) ولیزر و وینر تحلیل محتوا را هر رویه نظام‌مندی که به منظور بررسی محتوای

1. grounded theory
2. Theoretical comprehensive explanation
3. Analytical Approach

اطلاعات ضبط شده باشد تعریف می‌کند. کریپندورف آن را به عنوان یک فن پژوهشی برای ربط دادن داده‌ها به مضمون آن به گونه‌ای معتبر و تکرار پذیر تعریف می‌کند (ویمر و دومینک، ۱۳۸۴). بنابراین، با توجه به تعریف‌های به عمل آمده می‌توان گفت، تحلیل محتوا عبارت است از: فنی که به وسیله آن مشخصات خاص پیام به طور روشمند و دقیق جهت استنباط علمی شناسایی می‌شود. در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز با توجه به اینکه می‌بایست شاخص‌ها و ملاک‌های مورد نظر و به عبارتی نتایج معتبری از متون و یا مصاحبه‌ها و همین‌طور سایر اسناد و مدارک صوتی، شنیداری، تصویری و ... استنباط و اجتهاد گردد، روش تحلیل محتوا روش مناسبی تشخیص داده می‌شود.

۸- نتیجه‌گیری و بحث

امروزه می‌توان از یک سو، یکی از علل ضعف و ناکارآمدی مدیریت در سازمان‌های کشورمان ایران، را تمسک به شیوه‌های مدیریت اعمال شده در غرب دانست که متناسب با فرهنگ سازمانی ما نبوده و از سوئی دیگر بقا و ادامه حیات سازمانی در دنیای متأثر از تغییرات گسترده، مستلزم رعایت قواعدی خاص است و چه بسیارند راهبردها و سیاست‌هایی که در گذشته موفق بوده اما در حال حاضر اثربخشی خود را از دست داده و لازم است با خط‌مشی‌های جدید و مناسبی جایگزین شوند. ضرورت تغییر این شیوه‌های کلیش‌های جایگزینی آن با اصول و فرهنگ غنی اسلامی موجبات مطرح شدن طرح تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شده است. تغییر از وضع فعلی به وضع بهتری که همان وضع ایده آل می‌باشد، تغییر نیازمند حرکت است و حرکت به معنی خروج تدریجی شیئی از حالت قوه به فعل است. این مهم امری مستمر بوده که وصول به هر هدف و غایتی به واسطه آن میسر خواهد بود. اگر متحرک به غایت خود برسد، حرکت بی معنی بوده و لذا باید همواره غایت نهایی به گونه‌ای باشد که وصول به آن در ظرف زمانی و مکانی خاصی ننگند و این در قامت الگوی مورد نظر به عنوان یک وضعیت آرمانی قابل تصور است.

ترسیم و تدوین این مدل نیازمند روش شناسی خاصی است. در این مقاله با مرور ادبیات ذریبط، الگویی معرفی شد که بر اساس آن، با عنایت به منابعی چون قرآن، سنت، حدیث، فقه، تئوری و علم موجود و تحلیل محیط داخلی و خارجی و با بهره بردن از روش‌های تحقیق کیفی داده بنیاد و تحلیل محتوا، می‌توان این الگو را طراحی نمود. با توجه به این مدل پیشنهادی این الگو می‌تواند بر اسناد بالادستی هم چون سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و یا حتی قانون اساسی هم ناظر باشد.

نکته ظریف و قابل تامل در بحث تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این است که به هر حال با توجه به منابع غنی اسلامی در دسترس، این الگو در بلندمدت قابل حصول است اما با توجه به مدل پیشنهادی در این سطور، ترسیم نقشه راه و مسیر حرکتی از مبدا به مقصد یعنی از وضع

موجود به وضع مطلوب از الزامات این الگو خواهد بود تا همه سازمان ها در همه ارکان کشور بتوانند با هماهنگی و هم سویی هر چه بیشتر به سمت مطلوب ها حرکت کنند. همان طور که گفته شد در صورت مشخص نبودن مسیر حرکت، حلقه واسطه میان وضع موجود و وضع مطلوب مفقود بوده و لذا بر اساس فلسفه حرکت، هیچ گونه تغییر یا حرکت مفیدی انجام نخواهد شد و یا در صورت وجود حرکت، کاملاً بی هدف، نا هماهنگ و بی ثمر خواهد بود.

منابع

۱. اسکندری، مجتبی (۱۳۸۷) روش شناسی تحقیق در مدیریت اسلامی، دانشگاه تهران.
۲. اعرابی، سیدمحمد (۱۳۸۷) مجموعه مقالات مدیریت: مبانی روش شناسی و تئوری های مدیریت، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ اول، تهران.
۳. اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷)؛ اجتهاد به عنوان روش تاثیر گذار در اسلامی سازی علوم انسانی، تهران
۴. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۷) شناخت سازمان با رویکرد اسنغاری، دانشگاه تهران
۵. تولائی، محمد (۱۳۸۸) لوح فشرده مجموعه مقالات همایش بسیج سازندگی و نقش آن در توسعه همه جانبه کشور، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، تهران.
۶. چساوا فرانکفورد، دیوید نجمیاس (۱۳۸۱) روش های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لارجانی و رضا فاضلی، انتشارات سروش، تهران.
۷. جوادی آملی (۱۳۶۶) مبدا و معاد، انتشارات الزهراء، تهران.
۸. حکیم زاده، فرزاد؛ عبدالملکی، جمال (۱۳۹۰) پروپوزال نویسی در مطالعات کیفی و ترکیبی، نشر جامعه شناسان، تهران.
۹. خلیل فر، حسین (۱۳۷۷) تاریخ فلسفه در جهان اسلام، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران
۱۰. خوش چهره، محمد؛ حبیبی، نیک بخش (۱۳۹۰) اصول پایه های و عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۲، ۲۱۹-۲۴۴
۱۱. دانائی فرد، حسن (۱۳۸۴) تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استمرائی: استراتژی مفهوم سازی بنیادی، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۱۱.
۱۲. راجردی، ویمر و جوزف آر. دومینیک (۱۳۸۴) تحقیق در رسانه های جمعی، ترجمه دکتر کاووس سیدامامی، انتشارات سروش، تهران.
۱۳. رایف دانیل، لیزی استفن، جی. فیکو فریدریک (۱۳۸۵) تحلیل پیام های رسان های: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق، ترجمه مهدخت بروجردی علوی.
۱۴. شانه چی، کاظم (۱۳۸۴) درایه الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۵. عرب، مهدی (۱۳۹۰) عدالت و بیسترفت در اندیشه اسلامی؛ خردنامه عدالت در الگوی اسلامی ایرانی بیسترفت؛ انتشارات همشهری، تهران، صص ۱۹۰-۱۹۵
۱۶. علی خانی، عنی (۱۳۸۶) روش شناسی مطالعات سیاسی اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. قرآن کریم، (۱۳۷۸) ترجمه مهدی الهی قمشه ای، شرکت نظامی رشیدی، چاپ اول، تهران.
۱۸. گانینی، ابوالفضل (۱۳۸۷) پیش فرض های معرفت شناسی، معرفت شناسی دینی، تهران.
۱۹. نجات بخش اصفهانی، علی (۱۳۸۸) بررسی تطبیقی روش شناسی تحقیق در مدیریت اسلامی با روش شناسی های تحقیق در علوم مدیریت رایج، مجله پژوهش های اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، سال سوم، شماره پنجم
۲۰. نجفی، محمد؛ حکیم شفاپی، هادی؛ یارمحمد زاده، پیمان (۱۳۸۸) رهبری و مدیریت سازمان از دیدگاه اسلام، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
۲۱. محمدعلی پور، نسرين؛ کریمی، منصوره (۱۳۸۶) مطالعه تطبیقی در متدولوژی مدیریت اسلامی و رویکرد ارزشی

اخلاق و انرژزی خلاق فق‌های نظام گرا، عرفی اصول گرا، مبنائی متدولوژیک، مدیریت اسلامی روش قیاسی
استقرائی نقلی شهودی ترکیبی و عقلائی

۲۲. مصباح یزدی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، جلد دوم، تهران.

۲۳. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۹۰) کارآمدی و عدالت در نظام اسلامی؛ خردنامه عدالت در الگوی اسلامی ایرانی
پیشرفت؛ انتشارات همشهری، تهران، صص ۹-۱۷